

کالبدشکافی «قتل‌های عنکبوتی»

بازگشت حنایی به صحنه جرم و تلخ‌ترین خاطره خبرنگار پیشکسوت خراسان از حاشیه این پرونده جنایی



کالبدشکافی قتل‌های عنکبوتی پرداخته‌ایم که برای اولین بار ماجرای قتل‌های مذکور را در صفحه حوادث درج کرد و سپس لقب «قتل عنکبوتی» را برای این پرونده برگزید. آن‌چه می‌خوانید قسمت سوم و پایانی این گفت‌وگوی جذاب با این فعال رسانه‌ای است.

پروژه با اغراض مختلف سیاسی و اجتماعی باز نشر می‌شود. به تازگی نیز تولید فیلم‌هایی درباره این ماجرا موجب شده است تا دوباره قتل زنان خیابانی در رسانه‌ها مطرح شود. به همین دلیل در گفت‌وگو با سید خلیل سجادپور خبرنگار پیشکسوت روزنامه خراسان به

مصطفی میرجانیان - ماجرای قتل‌های سریالی زنان خیابانی که از مرداد سال ۷۹ در مشهد آغاز و تا مرداد سال ۸۰ ادامه یافت همچنان با گذشت ۲۲ سال از این حادثه تلخ بازتاب‌های گوناگونی در جامعه دارد و تجزیه و تحلیل‌های متفاوت و گاه تحریف‌شده‌ای درباره این

در امتداد تاریکی

«دوستی اجتماعی» حقه‌ای برای هوسرانی

او را تهدید کرد اگر به خواسته اش توجهی نکنم ماجرای ارتباط‌مان را به خانواده‌ام اطلاع می‌دهد و مرا نیز رها می‌کند و به این دوستی پایان می‌دهد به همین دلیل من هم فریب خوردم و از خانه فرار کردم...

به گزارش خراسان، این هابخشی از اظهارات دختر ۱۴ ساله دانش‌آموزی است که هنوز در شوک یک ارتباط شیطانی قرار داشت او که به همراه پدر و مادرش به کلانتری مراجعه کرده، تا ز پسر شکایت کند که زندگی و آینده‌اش را به نابودی کشانده است درباره این ماجرای تاسف‌بار به کارشناس اجتماعی کلانتری قاسم‌آباد مشهد گفت: از چند ماه قبل یکی از همکلاسی‌هایم مدام برایم از پسر سرخی می‌گفت و او را دوست اجتماعی خود معرفی می‌کرد. هر روزی که به مدرسه می‌رفتم او از خوشگذرانی و پیام‌هایی حرف می‌زد که بین او و دوست پسرش اتفاق افتاده بود. او همواره مرا نیز تشویق می‌کرد تا از این فرهنگ سنتی دست بردارم و یک دوست اجتماعی برای خودم انتخاب کنم «سیم» آن قدر با نشان دادن تصاویر و فیلم‌هایی در فضای مجازی بر افکار و روح و روان تأثیر گذاشته بود و مرا ترغیب به ارتباط با جنس مخالف می‌کرد که بالاخره تسلیم شدم و تصمیم گرفتم این نوع ارتباط را تجربه کنم. این دختر نوجوان در حالی که مانند ابر بهاری اشک می‌ریخت ادامه داد، سیم وقتی از تصمیم من آگاه شد بلافاصله مرا با «جعفر» آشنا کرد بدین ترتیب ارتباط من و جعفر در فضای مجازی آغاز شد. حالا دیگر ساعت‌های زیادی را با او چت می‌کردم و برای یکدیگر پیام‌های عاشقانه می‌فرستادیم. روابط پنهانی من و جعفر از طریق شبکه‌های اجتماعی همچنان ادامه داشت و من روز به روز بیشتر در این منجلاب‌فرو می‌رفتم چرا که هیچ اطلاعی از عواقب این گونه ارتباط‌های غیر اخلاقی نداشتم که نام دوست اجتماعی بر آن گذاشته بودم. از آن روز به بعد من هم مانند سیم شده بودم و یکدیگر درباره دوستی‌های مجازی حرف می‌زدیم اما نمی‌دانستم این اشتباه بزرگ، زندگی و آینده‌ام را به نابودی می‌کشاند. خلاصه در همین روزها بود که مادرم متوجه ارتباط من با یک پسر جوان در فضای مجازی شد. من هم بلافاصله موضوع را به جعفر اطلاع دادم و



تصویری از لحظه اعدام حنایی در زندان مشهد

از آن غافل شده‌ایم و هر روز در زیر پوست این شهر حوادث تکان‌دهنده‌ای رخ می‌دهد که انسان حیرت‌زده می‌شود. موضوع دیگر هم آن است که زنان خیابانی همچنان وجود دارند و خانواده‌های زیادی متلاشی می‌شوند اما شکل آن از کنار جاده و خیابان به فضای مجازی تغییر یافته است.

در صفحه حوادث چاپ کردم اما او وقتی فهمید در چه محصله بزرگی افتاده است فریاد می‌زد غلط کردم من فقط می‌خواستم شهرت کسب کنم! و مطرح شوم! البته با قتل این زنان هم موافق هستم ولی من هیچ گاه حتی یک مورچه را هم نکشته‌ام!

بالاخره در حالی که کارآگاهان

مشغول تحقیق درباره گرایش‌های فکری یا وابستگی این جوان ۲۲ ساله به گروه‌های خاص بودند دوازدهمین قتل اتفاق افتاد و آن جوان هم پس از اثبات بی‌گناهی آزاد شد.

آیا با اعدام عامل این قتل‌ها همه چیز

پایان یافت؟

بالاخره سعید حنایی که تصور نمی‌کرد روزی

شمالی هم بود و از من خواست که اطلاعاتی از قتل‌های عنکبوتی را در اختیارش بگذارم ولی با عذرخواهی و شرمندگی گفتم که قصد دارم خاطراتم را در یک کتاب به نگارش درآورم به همین دلیل فقط یکی دو سوال پرسید مانند این که برخی روایت می‌کنند سعید حنایی هر صبح در اطراف زندان و کیل‌آباد می‌دوید و ورزش می‌کرد که پاسخ دادم این موضوع دروغ است...

نظر شما درباره این فیلم چیست؟

حقیقت آن است که متأسفانه اطلاعات فیلم در حد همان اخبار رسانه‌ها و به ویژه یک فیلم مستند بود. اگر می‌توانستند آن را مانند «گاندو» یا هوش سیاه، پلیسی - جنایی کنند به نظر شخصی من شاید حرف‌ها و نکته‌ها بهتر بیان می‌شد.

خاطره‌ای از این قتل‌ها دارید؟

کشف هر جسد خاطره تلخی بود که در ذهنم باقی مانده است. اما وحشتناک‌ترین و زجرآورترین خاطره این قتل‌ها آن است که یکی از آخرین قربانیان سعید حنایی درون آلونکی در خیابان‌های اطراف «کشف» به همراه پدر و دو فرزند خردسالش زندگی می‌کرد. به خاطر این که ۳ روز قبل این زن جوان به دست حنایی کشته شده بود، پدر پیر او از شدت خماری سر در گریبان برده و کف از دهانش خارج می‌شد و دو کودک خردسال هم هر کدام گوشه‌ای از پلاستیک ضخیمی را می‌خوردند که به عنوان در آلونک آویزان شده بود! این ماجرا را بارها در یادداشت‌ها و نکته‌های روزنامه خراسان تأکید کردم اما...

آیا به جز سعید حنایی افراد دیگری هم به اتهام «قتل‌های عنکبوتی» دستگیر شدند؟

البته به عنوان مظنون که تعداد زیادی دستگیر شدند و مورد بازجویی قرار گرفتند اما دو مورد از آن‌ها با اتهام جدی روبه‌رو بودند که یکی را در پاسخ به سوالات قبلی مطرح کردم. او فردی به نام رسول بود که پس از



بازگرد! من تازه جسد را انداخته بودم!

او حتی یک بار حدود ساعت ۲۰ به در روزنامه خراسان آمد و گفت که جسد یک زن را درون کال (رودخانه کنار بولوار خیام) انداخته‌اند و مردم هم جمع شده‌اند!...

همان طور که گفتم سعید حنایی شخصیتی ماجراجویانه داشت و از این که توجه عده زیادی را به این ماجرا جلب کرده بود، لذت می‌برد!

نظر شما درباره روایت‌های سینمایی از این قتل‌ها چیست؟

ببینید، باز هم تأکید می‌کنم این قتل‌ها هیچ رنگ‌وبوی مذهبی نداشت البته من فقط فیلم عنکبوت ساخته آقای ایرج زاد را دیده‌ام و از عنکبوت مقدس هم تنها بخش‌های کوتاهی را که در شبکه‌های اجتماعی وجود دارد نگاه کرده‌ام ولی به هیچ وجه هدف او پاک‌سازی جامعه با دید مذهبی نبود و او بعدها راه‌گریز از اعدام را در این ادعای کذب می‌دانست.

کارگردان فیلم «عنکبوت» با شما هم تماس گرفت؟

بله! آقای ایرج زاد اتفاقاً از اهالی خراسان

آقای سجادپور این را که حنایی به صحنه جرم باز می‌گشت، تأیید می‌کنید؟

بله! او اولین جسدی را که در جاده فرعی و خاکی خین عرب‌رها کرده بود در همان اطراف با موتورسیکلت دور می‌زد تا ببیند بالاخره سر نوشت این جسد چه می‌شود. وقتی قاضی و نیروهای انتظامی به محل آمدند او نورافکن را از دست سرباز تشخیص هویت گرفت تا به ماموران کمک کند. البته بعد از دستگیری مدعی بود که پشت سر آمبولانس حمل جسد تا میدان ۱۷ شهریور هم رفته است. البته یک بار هم ادعا کرد درون آمبولانس در کنار جسد نشسته بود. این‌ها را با غرور و حالت خودنمایی بازگو می‌کرد. حتی در سومین صحنه جنایت در خیابان بزرگمهر، نوار زرد رنگ «ورود به صحنه جرم ممنوع» را به دست گرفته و دور درختان و تیر چراغ برق حلقه می‌زد تا شهروندان مزاحم کار نیروهای انتظامی نشوند. او در بازرسی از صحنه همین جرم به یکی از فرماندهان ارشد نیروی انتظامی گفت: آن روز که شما در سر صحنه به من گفتید آقا چرا خلاف می‌آیی،

آتش بر جان برج «لیدوما»

سوم و چهارم به بعد نما دچار آتش‌سوزی شد. در طبقه هشتم که یک تالار وجود داشت، آتش به داخل کشیده شده و بخش زیادی از این تالار شعله‌ور شده و همچنین تعدادی از مغازه‌های پایین دچار حریق شده بود.

وی ادامه داد: آتش‌نشانان از طریق نردبان‌ها و لوله‌کشی عملیات اطفاء را آغاز کردند و حجم دود زیادی در ساختمان انباشته شده است. همزمان با خارج کردن نفارت گرفتار، عملیات اطفاء آغاز و آتش کاملاً خاموش شد. او افزود: حدود ۳۰ نفر توسط آتش‌نشانان از محل، خارج و چند نفری دچار دود گرفتگی شدند.

۷ مصدوم داشته است که ۶ نفر از آن‌ها آقا و یک نفر از آن‌ها خانم بوده است. یک نفر از مصدومان مداوا شد و دیگر مصدومان نیز به دلیل بروز مشکل تنفسی، در حال دریافت اکسیژن هستند. در همین حال جلال ملکی سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران درباره وقوع حریق در پاساژ لیدوما در شهرک غرب تهران گفت: این حریق گسترده بوده اما هنوز اطلاعات و گزارش‌های در این زمینه به دستمان نرسیده است. او ساعتی پس از این حادثه آتش‌سوزی از اطفای حریق این مجتمع معروف تهران خبر داد و گفت: ضلع جنوبی این پاساژ از قسمت نما دچار حریق شد و از طبقه

آتش‌سوزی تقریباً گسترده برج «لیدوما» در شهرک قدس تهران به خیر گذشت. عصر روز سی‌ام خرداد، ماهی که با حوادث زیادی مانند ریزش متروپل، واژگونی قطار مشهد- یزد، سقوط ۲ هواپیمای جنگنده، واژگونی اتوبوس و... همراه بود تصاویری از حریق در ساختمان «لیدوما» در شبکه‌های اجتماعی خبر ساز شد. سخنگوی سازمان اورژانس در دقایق اولیه گفت: تاکنون دو آمبولانس به محل حادثه اعزام شدند، یک دستگاه اتوبوس آمبولانس نیز در حال اعزام به محل حادثه است. وی افزود: ساختمان در حال تخلیه است و حادثه تا این لحظه



کشف ۴۱۲ فقره سرقت در اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی

کرمانی - فرمانده انتظامی شهرستان کرمان از دستگیری ۱۵۱ سارق در اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی در این شهر خبر داد.

به گزارش خراسان، سرهنگ مهدی پورامینی گفت: در اجرای ارتقای امنیت اجتماعی، طرح برخورد با سارقان خیابانی با به کارگیری تمامی رده‌های عملیاتی این فرماندهی به مدت چهار روز در شهرستان کرمان عملیات شد.

وی افزود: در این زمینه نیروهای پلیس کرمان با انجام گشت‌زنی‌های هدفمند در نقاط جرم‌خیز و تحقیقات میدانی طی چندین عملیات، یک سارق مسلح، چهار نفر سارق به عنف و ۱۴۶ سارق عادی، در مجموع ۱۵۱ سارق و ۲۲۹ متهم تحت تعقیب را دستگیر کردند.

این مقام انتظامی با اشاره به کشف ۴۱۲ فقره انواع سرقت بیان کرد: متهمان پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی تحویل شدند.

درج رمز روی عابر بانک زمینه‌ساز برداشت غیرمجاز میلیونی شد

موجود و تحقیقات تخصصی صورت گرفته چهار متهم که پس از دست‌یابی به این کارت‌ها اقدام به برداشت وجه یا خرید اینترنتی کرده بودند شناسایی و دستگیر شدند. این مسئول انتظامی خاطر نشان کرد: این افراد پس از مواجهه با مستندات موجود به برداشت غیرمجاز در مجموع ۱۲۰ میلیون ریال از حساب شاکیان اعتراف کردند.

وی تأکید کرد: همه می‌توانند با فعال‌سازی سامانه پیامکی حساب‌های بانکی خود به صورت لحظه‌ای برای کنترل صورت حساب‌های بانکی اقدام و در صورت وقوع هرگونه برداشتی بدون اطلاع آن‌ها بلافاصله با مراجعه به دستگاه عابر بانک مربوط برای تغییر رمزهای اول و دوم اقدام کنند و موضوع را با پلیس در میان بگذارند.

توکلی - عاملان برداشت از حساب چند شهروند به صورت خرید اینترنتی غیرمجاز دستگیر شدند.

به گزارش خراسان، رئیس پلیس فتای شهرستان عنبرآباد بیان کرد: به دنبال مراجعه چند شهروند و اظهار شکایت مبنی بر برداشت غیرمجاز وجه از حساب بانکی آنان از طریق خرید اینترنتی غیرمجاز، موضوع به صورت ویژه در دستور کار پلیس فتای شهرستان قرار گرفت.

ستوان یکم محمدجواد بیدشکی افزود: در تحقیقات به عمل آمده از شاکیان مشخص شد همه آن‌ها به نوعی کارت عابر بانک خود را گم کردند در حالی که رمز کارت پشت آن نوشته شده بود و هیچ اقدامی برای مسدودی کارت بانکی خود انجام نداده بودند.

وی تصریح کرد: در این زمینه با توجه به شواهد و مدارک